

احیای روابط ارمنستان - ترکیه: ادامه آرمان‌گرایی یا غلبه منافع ملی؟

مهرزاد طباطبایی^۱

تلاشهای دوجانبه ارمنستان و ترکیه که البته با دخالت و برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری بازیگران فرامنطقه‌ای با تشکیل کمیسیون آشتی ارمنی - ترکی آغاز و با اجلاس مادرید به اوج خود رسید با فراز و نشیب، چالشهای متعدد و البته اهداف پیدا و پنهان فراوانی همراه بوده است. شاید بتوان عنوان نمود که برای سیاست خارجی ارمنستان بزرگ‌ترین چالش در این خصوص «تنظیم و تعادل بین آرمان‌خواهی ارامنه و منافع ملی این کشور» و برای ترکیه «تنظیم رفتارها و اقدامات منطقه‌ای در مقابل انتظارات و فشارهای فرامنطقه‌ای» باشد. در این نوشتار تلاش خواهد شد ضمن بررسی اهداف کشورهای ذیربط در این موضوع، اهداف و انتظارات بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در حوزه قفقاز، تأثیرات احتمالی این همکاریها بر حوزه سیاست و اقتصاد در دو کشور، اقدامات انجام شده در خصوص این روابط و در نهایت تأثیرات احتمالی آن بر منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مورد کنکاش قرار گیرد.

... فرزندم، کوهی را که می‌بینی کوه آرارات است و بخشی از سرزمین مادری توست که توسط ترکهای عثمانی تصرف شده است، سرزمین تو بزرگ‌تر از آن چیزی است که تو بتوانی تصور کنی، اگر روزی به قدرت رسیدی تمام سعی خود را به کار گیر تا بتوانی سرزمین مادری خود را آزاد کنی و انتقام قتل عام ۱۹۱۵ را از آنان بگیری... اجداد تو در این سرزمین به قتل رسیده‌اند...

این جملات اولین جملاتی است که یک کودک ارمنی در زمان تولد از والدین خود می‌شنود و با آن بزرگ می‌شود. این جملات با بزرگ شدن هر فرد ارمنی به یک باور اعتقادی و سیاسی تبدیل می‌شود و در واقع بخشی از هویت یک ارمنی اصیل را تشکیل می‌دهد. ارامنه در سراسر دنیا این باور و فرهنگ را جزء لاینفک زندگی و حیات

۱. آقای مهرزاد طباطبایی کارشناس مسائل ارمنستان است.

خود می‌دانند و نماد این کینه تاریخی خود را ترکیه امروزی می‌دانند که تا زمانی که به این گناه عظیم و واقعه تلخ قتل عام اعتراف ننموده و حقوق از دست رفته آنان را اجابت ننماید قابل اتکاء و مرادده بعنوان یک همسایه نمی‌باشد. آرامنه تاکنون سعی نموده‌اند این باور اعتقادی-سیاسی را قربانی اهداف سیاسی و یا سیاستمداران خود ننمایند، اما واقعیت‌های حاصله در طول حیات ده ساله ارمنستان (به عنوان یک واحد سیاسی مستقل) آرامنه را بر آن داشته است تبعات منفی این رفتار را در حوزه سیاست خارجی برای خود به حداقل رسانده و ضمن حفظ این باور تاریخی، از مزایای همکاری و مرادده با یک همسایه که دست بر قضا با بوجود آمدن برخی تحولات در منطقه و همچنین در صحنه داخلی این کشور دستخوش تغییرات قابل توجه رفتاری و جایگاهی گردیده است، نهایت بهره‌برداری را نمایند.

طرح موضوع

روابط ارمنستان و ترکیه پس از استقلال ارمنستان بعنوان یک واحد سیاسی مستقل، به دنبال آغاز بحران قره‌باغ و تصرف بخشی از اراضی آذربایجان توسط ارمنستان، روبه سردی و وخامت گذاشته است و ترکیه (به زعم آرامنه) عملاً ارمنستان را محاصره نموده و مرزهای خود با این کشور را از سال ۱۹۹۳ تاکنون بسته است. طی یک دهه گذشته مجموعه اقدامات و تلاشهای صورت گرفته از جانب کشورهایمانند آمریکا و خود ارمنستان برای بازگشایی این مرزها ره به جایی نبرده است و در سالهای اخیر نیز اقدامات و تلاشهای شورای اروپائی و اتحادیه اروپایی - هرچند به دامنه این اقدامات و فشارها افزوده است - اما نتیجه قابل قبولی دربر نداشته است. تغییر هیئتهای حاکمه در ترکیه طی یک دهه گذشته نیز به دلایل متعدد از جمله اهداف بلندپروازانه و توسعه طلبانه ترکیه، مناسبات تعریف شده با آذربایجان که علاوه بر دلایل قومی به دلیل انتظارات ترکیه از منابع انرژی این کشور، تا حدود زیادی به افراط کشیده شده بود، مقابله با جریان در حال شکل‌گیری ایران - ارمنستان - روسیه در مقابل اتحاد آذربایجان - ترکیه -

گرجستان و دلایل فراوان دیگری که از حوصله این بحث خارج می‌باشد نتوانسته است این مشکل را حل و برای آن راه چاره‌ای قابل قبول و عملی که همزمان بتوان در سیاستها و اهداف ترکیه در منطقه و بهره‌برداری از امتیازات منطقه‌ای ارمنستان برای این کشور تعادلی ایجاد نماید، پیدا کند. افرادی مانند اربکان با توجه به ملاحظات - هرچند در ظاهر - مذهبی و افرادی مانند چیلر، ییلماز و اجویت با برخورداری و تکیه بر اهداف پان ترکیستی مایل نبودند موضوع مذاکره و بازگشایی مرزها با ارمنستان که می‌توانست از سوی طرف آذری به منزله قطع حمایت ترکیه از این کشور و پذیرش سلطه ارمنه بر خاک آذربایجان ترک‌نشین ارزیابی گردد را دنبال نمایند.

شرایط جدید ایجاد شده در منطقه که ادامه و دنباله تحولات حادث شده در سطح نظام بین‌الملل در پی واقعه ۱۱ سپتامبر می‌باشد و به صورت تقریبی از دو سال پیش آغاز گردیده و در چند ماه گذشته به دنبال اقدامات یک جانبه آمریکا در عراق که با پیروزی سریع همراه بوده است به اوج رسیده و باعث شد بر سرعت تغییرات و تحولات آن افزوده شود، این احتمال را رفته رفته تقویت بخشید و به یک باور تبدیل نمود که آمریکا توان خود بر منطقه قفقاز را متمرکزتر خواهد نمود و یکی از برنامه‌های در دستور کار در دوره جدید در این حوزه و با هدف محقق شدن بخشی از اهداف منطقه‌ای خویش، موضوع بازگشایی مرز ارمنی - ترکی خواهد بود. در این میان تغییر هیئت حاکمه در ترکیه و اظهارات مطروحه از سوی برخی از این مقامات، تمایلات آشکار ترکیه به عضویت در اتحادیه اروپایی که با پیش شرطهای متفاوت این اتحادیه از جمله بهبود مناسبات با همسایگان همراه بوده است در کنار سردی ایجاد شده در روابط ترکیه با آمریکا که باعث اتکاء بیشتر ترکیه به نهادها و مراکز قدرت اروپایی شده است، تغییر تدریجی و قابل توجه برداشت نظامیان از منافع ملی و نوع نگاه به رابطه با ارمنستان در ترکیه که علی‌رغم تغییرات دموکراتیک ایجاد شده در این کشور کماکان دارای قدرت و تأثیرگذاری لازم می‌باشند بر تقویت احتمال یادشده و تبدیل شدن آن به یک واقعیت افزوده است.

اکنون با در نظر گرفتن مؤلفه‌هایی مانند:

۱- روابط ترکیه و آمریکا به دنبال عدم تمکین ترکیه در خصوص نحوه برخورد با عراق و ارائه امکانات لازم به آمریکا برای حمله به این کشور به شکل قابل ملاحظه‌ای به سردی گراییده است و همین امر باعث کاهش جایگاه و نقش منطقه‌ای ترکیه نسبت به سابق گردیده است،

۲- ترکیه برای عضویت در اتحادیه اروپایی با پیش شرط‌های متفاوتی از جانب این اتحادیه روبرو گردیده است که یکی از آنها عادی سازی مناسبات با کشورهای همسایه خویش (از جمله ارمنستان) می‌باشد، (موافقت شورای اروپا با ۲۱۶ رأی مخالف پیرامون گزارشگر ویژه اروپا، ۸۲/۳/۱۵، مصوبه این شورا: اگر ترکیه خواهان عضویت در اتحادیه اروپاست، باید با رفع تحریم‌ها علیه ارمنستان، حل موضوع قبرس و... اقدامات خود را سرعت بخشد). از همین رو ترکیه برای اجابت این درخواست به عادی سازی روابط با ارمنستان -ولو در حد مراودات تجاری و تأخیر نسبت به تحقق مراودات دیپلماتیک- نیازمند است،

۳- ترکیه برای احیاء و حفظ نقش سنتی خود در قفقاز نیازمند توسعه مناسبات با کشورهای این منطقه می‌باشد اما برای تحقق این موضوع با چالش‌های متعددی روبرو خواهد بود. در عرصه داخلی ترکیه موضوع انتظارات و افکار عمومی را از یک سو، و از سوی دیگر برداشتهای جدید برگزیدگان سیاسی تازه روی کار آمده در خصوص منافع ملی که به واقعیت نزدیک تر است را در پیش خواهد داشت. همچنین در سطح منطقه‌ای نیز مجبور به توجه به ملاحظات روسیه و ایجاد تعادل در انتظارات آذربایجان در ابعاد دوجانبه و منطقه‌ای خواهد بود، این سؤالات مطرح خواهد گردید که:

مؤلفه‌ها، شاخصها و پارامترهای شکل دهنده روابط ارمنستان - ترکیه چه خواهند بود و هر کدام از این کشورها از این روابط چه انتظارات و اهدافی را دنبال می‌نمایند؟
برای بهبود مناسبات، دو کشور تاکنون چه اقداماتی را انجام داده‌اند و با چه موانعی روبرو خواهند بود؟

برای تحقق موضوع همکاریها، در عرصه داخلی برگزیدگان سیاسی دو کشور، نخبگان، دست‌اندرکاران اجرایی و احزاب سیاسی و در نهایت افکار عمومی به چه میزان نقش خواهند داشت؟ تأثیرات و نتایج منطقه‌ای و بین‌المللی این روابط برای هر کدام از این کشورها چه خواهد بود؟

تأثیرات منفی و مثبت این روابط در سطح منطقه چیست؟
آنچه در پی می‌آید نگاهی کوتاه و فشرده به پاسخهای مربوطه در قالب بخشهای مختلف می‌باشد.

روابط ارمنستان - ترکیه و مواضع کشورهای ذیربط

از سال ۱۹۹۲ تاکنون در سبب بسته و بحث برانگیز روابط ارمنستان - ترکیه همواره سه موضوع مهم و اساسی وجود داشته است:

- موضوع مناقشه قره‌باغ و درخواست پایان دادن به اشغال قره‌باغ توسط طرف ارمنی از

سوی ترکیه

- موضوع شناسایی تمامیت ارضی ترکیه از سوی ارمنستان که از سوی مقامات ترکیه‌ای

مطرح می‌گردد

- پایان دادن به ادعای قتل عام ارمنه.

موارد مطروحه اصلی‌ترین و مهم‌ترین نکات مورد اختلاف بین دو کشور بوده‌اند. این

موضوعات باعث شده بودند که هیچگاه نظرات مطروحه از جانب سیاسیون و یا مقامات اجرایی

دو کشور، به دلیل غلبه روحی، روانی و سیاسی و همچنین تأثیرگذاری اصول یادشده در افکار

عمومی، به نتیجه مورد نظر و دلخواه نرسند.

ترکیه

۱- با توجه به موارد مطروحه فوق، تا قبل از تحرکات جدید ایجاد شده در مناسبات ارمنستان - ترکیه، ترکیه همواره خواهان تخلیه اراضی آذربایجان (قره‌باغ) از سوی ارمنستان بعنوان پیش شرط مذاکره در خصوص روابط دوجانبه بوده است و هیچ نوع مذاکره و اقدام رسمی را بدون مشخص شدن تکلیف سرزمینهای [اشغالی] قابل قبول نمی‌دانست. مقامات ترکیه به تناوب این موضوع را مطرح و بر ضرورت تحقق آن تأکید نموده‌اند. آخرین موضع‌گیری در این خصوص (با این باور و رفتار سیاسی) توسط چویک گوز (سفیر ترکیه در آذربایجان) صورت پذیرفت که در تاریخ ۸۲/۲/۴ اعلام نمود «به رغم تأکیدات آمریکا برای بهبود مناسبات با ارمنستان، سیاست دولت آنکارا در این زمینه دستخوش تغییر نگردیده است».^(۱)

۲- بعد از تغییرات ایجاد شده در ترکیه و همچنین تحولات منطقه (به این موضوعات به صورت جداگانه رسیدگی خواهد شد)، و در دور جدید فعالیتها برای از سرگیری روابط، مقامات ترکیه مواضع واقع‌بینانه‌تری اتخاذ نمودند که در عین نشان دادن نگرانی آنان از نوع و میزان تأثیرگذاری ترکیه در آینده منطقه، نشان دهنده تمایل و عزم جدی آنان برای بهبود مناسبات با ارمنستان بوده است. عبدالله گل وزیر امور خارجه ترکیه در مصاحبه‌ای در تاریخ ۸۲/۲/۲۹ اظهار نمود «ترکیه خواهان ایجاد روابط خوب همسایگی با ارمنستان است. ما در طول تاریخ هیچ موضوعی که از آن احساس شرم بکنیم نداشته‌ایم».^(۲)

ارمنستان

۱- در مقابل موضع‌گیری سنتی ترکیه، ارمنه همواره خواهان انجام مذاکره بدون قید و شرط با ترکیه بوده‌اند. ارمنه بر این باور بوده و هستند که روابط دوجانبه ارمنی - ترکی باید خارج از موضوع قره‌باغ مورد بررسی و کارشناسی دو کشور قرارگیرد و این دو مقوله از یکدیگر جدا می‌باشند. (هرچند به نظر می‌رسد که ارمنه در این بین با توجه به نگاه، اهداف و مواضعی که در خصوص قره‌باغ و همچنین روابط با ترکیه اتخاذ نموده‌اند، با مسائل جدی و چالشهای اساسی

روبرو خواهند گردید.) اسکانیان وزیر خارجه ارمنستان در موضع‌گیری خود پس از روی کار آمدن دولت اردوغان در ترکیه مجدداً بر این موضوع تأکید و آمادگی کشور متبوع خود را برای از سرگیری روابط اعلام نموده است.^(۳)

آمریکا

۱- آمریکا با توجه به برنامه‌ها و اهدافی که در منطقه قفقاز دنبال می‌نماید و لازمه تحقق کامل این اهداف یکپارچگی سرزمینهای تحت نفوذ از نظر اتصال سرزمینی می‌باشد، شدیداً دنبال تحقق بازگشایی مرزهای ارمنی - ترکی است و در میان اهداف گوناگون خود مانند توزیع سیاست خارجی ارمنستان و خارج ساختن آن از زاویه تک بعدی آن در منطقه که بیشتر متوجه روسیه است، ترغیب به اعمال جدیت بیشتر در حل موضوع قره‌باغ از طریق نشان دادن مشارکت ارمنستان و حتی قره‌باغ در طرح‌های اقتصادی (بویژه انرژی)، موضوع جداسازی - حداقل اقتصادی - جمهوری اسلامی ایران از این منطقه را نیز در سر می‌پروراند. (وزارت امور خارجه آمریکا در اوایل سال ۱۳۸۲ طی بیانیه‌ای خواستار انجام مذاکره بین مقامات ارمنستان و ترکیه و بازگشایی مرزهای دو کشور گردید).

کشورهای اروپایی

۱- طرف‌های اروپایی از این موضوع به عنوان اهرم فشار بر ترکیه و تلاش برای تغییر رفتار این کشور نهایت بهره‌برداری را می‌نمایند و اقدامات نهادهای اروپایی - با توجه به تمایلات شدید ترکیه برای پیوستن کامل به این نهادها - در این راستا قابل توجه و تأمل می‌باشد. طرف‌های اروپایی همواره از دو محور اصلی و یک محور سوم به منطقه نگاه نموده و تلاش کرده‌اند از طریق آن دامنه حضور خود را توسعه بخشند. این مناطق عبارت بوده‌اند از گرجستان و ارمنستان در اولویت اول و آذربایجان در اولویت بعدی.

۲- آذربایجان به دلیل جاذبه‌های نفتی آن مورد توجه شدید آمریکا قرار گرفته است و اروپایی‌ها امیدوارند با اعمال دیدگاه‌های خود در خصوص مناقشات منطقه‌ای مانند قره‌باغ و

بحران آبخازیا، ضمن تنوع بخشی به مسیرهای انتقال انرژی، از دامنه نفوذ ترکیه به عنوان تنها مسیر انتقال انرژی به اروپا بکاهند. اما دامنه فعالیت آنها در آذربایجان کماکان تحت الشعاع اقدامات آمریکا باقی خواهد ماند، در گرجستان نیز بعد از وقایع ۱۱ سپتامبر و تمایلات آشکار گرجی ها، نقش و نفوذ آمریکا باگذشته قابل مقایسه نیست و جای خالی چندانی برای طرفهای دیگر باقی نمانده است. محور ارمنستان هنوز دارای جاذبه‌های فراوان برای طرفهای اروپایی می‌باشد و طرفهای اروپایی به خوبی به میزان تمایل ترکیه به برخورداری از بازگشایی این مرز به دلیل تبعات مثبت اقتصادی آتی آن برای ترکیه در کنار نیاز این کشور به چگونگی موافقت اروپا با عضویت این کشور در اتحادیه اروپایی واقف می‌باشند. مجموع این شرایط زمینه لازم برای اعمال فشار به ترکیه از سوی اتحادیه اروپایی را فراهم می‌نماید.

روسیه

۱- روسیه با توجه به تمایلات و اهداف متفاوت ارمنستان و ترکیه، علم به اینکه در شرایط کنونی این امر در کوتاه‌مدت امکان به صورت کامل پذیر نیست، حوزه امنیتی و اقتصادی مورد نظر روسیه در ارمنستان کماکان حفظ خواهد شد و به نظر نمی‌رسد در آینده‌ای نزدیک نیز این جایگاه دستخوش تغییرات قابل ملاحظه‌ای بویژه در بخش امنیتی و نظامی گردد از آن استقبال می‌کند. هرچند سابقه روسیه در ارمنستان نشان داده است که هیچگاه در طول یک دهه گذشته، نسبت به این موضوع (بازگشایی مرزها) روی خوش نشان نداده است، (در سال ۱۳۷۲ زمانی که وازگن پطروسیان وزیر دفاع ارمنستان بوده است، نامبرده در خصوص ترکیه و روابط با این کشور در حد بازشدن مرزها مطالبی را عنوان نموده بود و در همان ایام نیز سفری به مناطق مرزی مشترک انجام داده بود. در جریان بازدید و مراجعت وی به ایروان برخی رسانه‌ها اعلام نمودند که وازگن سرکیسیان در اثر یک حادثه جان خود را از دست داده است. هرچند این موضوع بیشتر جنبه خبری و شانتاژ داشت، اما وی مورد سوء قصد قرار گرفته و خودرو حامل وی به شدت تیرباران شده بود. تا زمان حیات وازگن سرکیسیان این آخرین باری بود که وی در این

خصوص (بازگشایی مرز با ترکیه) به صورت مثبت صحبت نموده بود). اما روسیه با حفظ ملاحظات یادشده و همچنین سهم همواره حفظ شده این کشور برای برهم زدن صحنه از طریق فرمول «اگر ما نیستیم، پس هیچکس هم نخواهد بود» با این موضوع در حال حاضر و در سطح و بستر کنونی مخالفت نخواهد نمود.

۲- روسیه می‌تواند امیدوار باشد که از طریق توسعه همکاریهای اقتصادی ارمنستان - ترکیه، جایگاه ج.ا.ا در این کشور رو به افول گذاشته و دایره فعالیت کشورمان بعنوان رقیب روسیه در این حوزه محدود گردد. روسیه با این اقدام قادر خواهد بود ما به ازاءهای اعطاء شده به ترکیه در این بخش را در معادلات تجاری خود بویژه در عرصه انرژی با ترکیه هماهنگ و جبران نماید.

آذربایجان

۱- برای آذربایجان این موضوع به نوعی با تمام واحدهای سیاسی ذکر شده متفاوت خواهد بود. هرچند به صورت مشخص آذربایجان باید با این روند مخالف باشد اما این کشور بیشتر از این مخالفت از تبعات این واقعه - با شرایط کنونی - متضرر خواهد شد. زیرا هسته اصلی رویکرد ترکیه به ارمنستان موضوع نگاه تازه به منافع ملی است که این امر می‌تواند جایگاه منطقه‌ای آذربایجان را در سیاست خارجی ترکیه با تعدیل‌هایی روبرو سازد.

۲- قلی‌اف وزیر امور خارجه آذربایجان طی اظهاراتی عنوان نموده است «ترکیه با توجه به منافع ملی خود می‌خواهد روابط با همسایگان را عادی کند. ما نیز مانند ترکیه وارث مشکلاتی هستیم که قره‌باغ یکی از آنهاست. اما ترکیه با ارمنستان روابط دیپلماتیک برقرار نخواهد کرد».^(۴) این اظهارات نشان می‌دهد که آذربایجان اصل موضوع را درک نموده و به این باور رسیده است که ترکیه در صدد بهبود مناسبات با ارمنستان است، اما در عین حال امیدوار است که بتواند با ادامه همکاریها با ترکیه و زنده نگه داشتن موضوع قره‌باغ برای آذربایجان و ترکیه دامنه تبعات منفی این مناسبات احتمالی را به حداقل کاهش دهد.

۳- با توجه به موارد مطروحه و نگرانی‌های آذربایجان نسبت به این موضوع، سفارت

آذربایجان در ترکیه ضمن صدور اعلامیه‌ای خواهان بسته ماندن مرزهای ترکیه با ارمنستان به مدت ده سال دیگر گردید. این سفارتخانه همچنین موضوع فشارهای آمریکا و اتحادیه اروپایی به ترکیه برای بازگشایی مرز با ارمنستان را ساخته لابی ارمنی ارزیابی نموده است.^(۵)

اهداف، انتظارات

ارمنستان

۱- از نظر اقتصادی این روابط را بسیار مهم و حیاتی ارزیابی می‌کند، زیرا می‌تواند از طریق توسعه این مناسبات با توجه به مزیت‌های اقتصادی ترکیه برای ارمنستان، وضعیت داخلی خود را (در عرصه اقتصادی) سر و سامان داده و نیم‌نگاهی نیز به مسیر ترکیه-اروپا برای صادرات محدود خویش داشته باشد،

۲- ارمنستان می‌تواند از این طریق، قدرت چانه‌زنی خود در مقابل ج.ا.ا را افزایش دهد. هرچند ارمنستان تاکنون (به دلایل متفاوت) در هیچ زمینه‌ای راه‌کار «چانه‌زنی» را در دستور کار قرار نداده است اما همکاری با ترکیه می‌تواند این زمینه را ایجاد تا در بخش‌های اقتصادی این اتفاق رخ دهد.

۳- موضوع نتایج و ثمرات اقتصادی و استفاده از امکانات موجود اما تعریف نشده در این بخش به حدی برای دو کشور حیاتی است که طرفین در اظهارات خود صراحتاً بر آن تأکید و خواستار احیاء آن - حتی بدون توسعه روابط سیاسی - گردیده‌اند. اسکانیان وزیر امور خارجه ارمنستان در این خصوص اظهار نموده است «اگر ما روابط سیاسی و دیپلماتیک نیز نداشته باشیم، این بدان معنا نخواهد بود که ما نتوانیم مرزهای خود را باز کنیم و از جاذبه‌های موجود در خطوط راه‌آهن استفاده لازم را نبریم. ما می‌توانیم راهی پیدا کنیم که رضایت طرفین به صورت کامل و دوجانبه جلب شود و بهترین شیوه برای همکاری‌های دوجانبه باشد».^(۶)

۴- در کنار اولویت‌های اقتصادی، ارمنستان به این نکته توجه دارد که بازگشایی این مرز

می‌تواند ضمن کاهش فشار به ارمنستان از جانب ترکیه، ادامه حمایت ترکیه از آذربایجان را محدود و همچنین موضوع قره‌باغ را که تاکنون بعنوان مانع در مناسبات دو کشور خودنمایی می‌نمود از دستور کار خارج و به تدریج آذربایجان را در موضعی منفعل‌تر قرار دهد. به نظر می‌رسد درخصوص موضوع قره‌باغ و خارج شدن آن از دستور کار مذاکرات مربوطه، تلاشهای ارمنستان با نتیجه مثبت همراه بوده است و طرفین در این خصوص به نتیجه رسیده‌اند. اسکانیان وزیر امور خارجه ارمنستان در مصاحبه با تلویزیون دولتی ارمنستان بعد از اجلاس مادرید به این موضوع اشاره و آنرا مورد تأیید و تأکید قرار داده است.^(۷) آرامنه همواره مایل بوده‌اند بتوانند موضوع همکاریهای دوجانبه خود با سایر کشورها را از مقوله تنش‌زای بحران قره‌باغ خارج نمایند. این موضوع به دلیل نگرانی و نیاز آنها از برقراری و توسعه روابط با دنیای پیرامونی نشأت گرفته است. آنها امیدوارند بتوانند با ادامه این روند به صورت تدریجی درخواستهای خود را جامه عمل بپوشانند.

ترکیه

۱- ترکیه طی ده سال اخیر و در جریان شکل‌گیری و ادامه روند بحران قره‌باغ، همواره مواضع خود را بر حمایت از آذربایجان بنا نهاده و تعریف نموده است. این موضوع عملاً باعث محدود شدن دامنه مانور ترکیه در منطقه گردیده است و این کشور به اندازه سرمایه‌گذاری سیاسی صورت داده بر روی آذربایجان، بهره لازم و مورد نظر را نبرده است و اکنون این کشور تلاش می‌کند حداقل از طریق توسعه همکاریهای اقتصادی با ارمنستان به نوعی جبران مافات نموده و بتدریج موضوع اولویت منافع ترکیه در منطقه «که الزاماً در چارچوب روابط با آذربایجان خلاصه و محدود نمی‌شوند» را در دستور کار قرار دهد. این اولویت دربرگیرنده اهداف گوناگونی از جمله کوتاه شدن مسیر دسترسی به منابع انرژی و حوزه‌های جدی صادرات اقتصادی ترکیه می‌باشد که به نوبه خود مهم و حیاتی می‌باشند.

۲- روی کار آمدن دولت جدید در ترکیه این فضا و امکان را ایجاد نمود که سیاسیون این دولت و حتی نظامیان با پشت سر گذاشتن وقایعی مانند بحران عراق و نحوه برخورد آمریکا با خویش، به این نتیجه برسند که مناسبات خارجی خود - حداقل در منطقه - را مورد بازنگری اساسی قرار دهند.

۳- ترکیه با توجه به مناسبات خود با آمریکا که اکنون دستخوش سردی - هرچند مقطعی - قرار گرفته است، همچنین در پیش بودن انتخابات آتی ریاست جمهوری در آذربایجان، می تواند امیدوار باشد که با نشان دادن گرایش خود به سمت ارمنستان، وزنه خود در آذربایجان را بیش از گذشته افزایش داده و در جریان انتخابات آتی ایفای نقش مؤثر نماید.

۴- ترکیه به خوبی به این موضوع واقف است که هنوز نمی تواند مطمئن به عضویت در اتحادیه اروپایی گردد و از همین رو نیز نمی تواند امیدوار به صدور کالاهای خود به اروپا و کشورهای این قاره باشد. بهترین بازار مصرف کالاهای ترکیه آسیای مرکزی و قفقاز است. باز شدن مرز با ارمنستان می تواند بسیاری از هزینه های مربوطه در صادرات کالا به این منطقه را کاهش داده و بازار مناسب مصرف را تعریف نماید.

۵- با توجه به عضویت ترکیه در ناتو، این کشور می تواند امیدوار باشد بعد از قرار گرفتن بعنوان کوتاه ترین مسیر حمل و نقل به آذربایجان و آسیای مرکزی (بعد از بازگشایی مرز با ارمنستان)، مجدداً با توجه به تقابل روسیه و غرب در قفقاز، مورد توجه و حمایت غرب قرار گیرد.

اقدامات صورت گرفته

۱- با هدف بررسی موانع مناسبات بین دو کشور و تلاش برای بهبود آن، کمیسیون مشترک آشتی ارمنی - ترکی با هدایت و مدیریت اولیه آمریکا و سپس تعیین رؤسای مشترک ارمنی - ترکی از سال ۱۳۷۹ آغاز به کار نمود که تاکنون موفقیت قابل توجهی در زمینه تحقق اهداف تعریف شده خویش کسب ننموده است. این کمیسیون در عمل نتوانسته است موانع

موجود در این مناسبات را بصورت کامل رفع نماید و البته در این بین علاوه بر برخی مخالفتها در بخش دولتی، با چالشهای عمده در بین افکار عمومی و جریانات سیاسی داخلی روبرو بوده است. شاید بتوان گفت مهمترین موضوعی که این کمیسیون با آن روبرو بوده است چگونگی حل و برخورد با موضوع قتل عام ارمنه که محور اصلی مخالفتها و تضادهای تاریخی ارمنه و ترکیه می باشد بوده است،

۲- از جمله اقدامات این کمیسیون در دور جدید فعالیتها برای بهبود مناسبات، برگزاری نشست مشترک در استانبول ترکیه در روزهای ۱۴ و ۱۵ خرداد ماه سال جاری بوده است. این دور از گفتگوها با ترکیب جدید برگزار گردیده است و طی آن توافق گردیده که صفحه اینترنتی جدیدی برای این کمیسیون راه اندازی گردد،

۳- ملاقات وارطان اسکانیان وزیر امور خارجه ارمنستان با عبدالله گل وزیر امور خارجه ترکیه در تاریخ ۱۳ خردادماه سالجاری در حاشیه اجلاس رهبران مدیترانه‌ای در یونان و در مادرید،

۴- در زمینه اقتصادی، شورای همکاری مشترک اقتصادی ارمنستان - ترکیه از دو سال قبل فعالیت خود را آغاز نموده است. این شورا بیشتر توان خود را متوجه بخشهای خصوصی دو کشور نموده و هرچند تاکنون توانسته است دامنه فعالیت و همکاری بین این بخشها را تا حدود قابل توجهی توسعه دهد اما این اقدامات از جانب دولتهای متبوع به رسمیت شناخته نشده است و کماکان تبادلات صورت گرفته بین این بخشها حالت «قاچاق» و غیررسمی دارد. آرسن غازاریان رئیس ارمنی این شورا اعلام نموده است که «در سال گذشته (۲۰۰۲) مبادلات تجاری بین دو کشور بالغ بر ۱۰۰ میلیون دلار بوده اما این تبادلات یک طرفه و به صورت غیررسمی صورت می پذیرد»،^(۸)

۵- در زمینه فرهنگی طرفین با هدایت و حمایت آمریکا تلاش نموده‌اند تا ضمن تبادل دانشجو انجام سفرهای علمی بین اساتید دانشگاههای دو کشور، همچنین انجام برنامه‌هایی در

قبال «تبادل نظرات زنان دوکشور» جو عمومی موجود را تا حدود زیادی تلطیف نمایند. این اقدامات در عمل با واکنش مثبت تأثیرگذار از جانب طرفین - بویژه در ارمنستان - روبرو نگردیده است.

۶- در آستانه ۲۴ آوریل (روز جهانی قتل عام ارامنه) طرفین اقدام به برگزاری نشست میان کارشناسان تاریخ ارمنستان و ترکیه و انجام بحث درخصوص جوانب روحی قتل عام ارامنه نموده‌اند. همزمان با این اقدام رئیس بخش قفقاز و آسیای میانه وزارت امور خارجه ترکیه ابراز امیدواری نموده است که با روی کار آمدن مجدد کوچاریان روابط ارمنستان - ترکیه وارد مرحله جدیدی شود،

۷- کاهان سویاک رئیس ترکی کمیسیون آشتی ارمنی - ترکی جهت بازگشایی مرز دوکشور اقدام به فراخوان عمومی نموده است و تلاش نموده با توجه به شرایط کنونی دو کشور، این موضوع را از حالت ایستای کنونی به حالتی فعال انتقال دهد،

۸- به دنبال انجام انتخابات در ارمنستان که به پیروزی مجدد کوچاریان منجر گردید، احمد نجت سزر رئیس جمهوری ترکیه پیام تبریکی بعنوان رئیس جمهوری ارمنستان ارسال نمود که این اقدام با ابراز نگرانی آذربایجان همراه گردید،

۹- سفر اقول سیال معاون واخ ترکیه به آمریکا و انجام ملاقات با مقامات این کشور و اعلام آمادگی درخصوص روابط ترکیه با ارمنستان، همچنین ارائه پیشنهاد برگزاری اجلاس سه جانبه بین ارمنستان - آذربایجان و ترکیه،

۱۰- ملاقات اجوت نرجان از مقامات واخ ترکیه و سفیر سابق این کشور در آذربایجان با نمایندگان دو سازمان از سه سازمان بزرگ ارمنی از جمله مجمع ارمنی آمریکا و ریاست حزب رامکاوآر که این ملاقات به دعوت کنسولگری ترکیه در کالیفرنیا و در محل آن انجام شده است،

۱۱- بررسی لغو محاصره ارمنستان توسط مقامات عالی‌رتبه ترکیه از جمله دبیر شورای

امنیت این کشور،

۱۲- حضور سربازان ترکیه در مانور «بهترین تلاش ۲۰۰۳» در ارمنستان در روزهای ۱۶ و ۱۷ ژوئن سال جاری میلادی.

روابط ارمنستان - ترکیه: چالشها و موانع

کشورهای منطقه قفقاز به همراه ج.ا.ا، آمریکا و روسیه، هر کدام از زاویه و منافع خویش موضوع بازگشایی مرز ارمنی - ترکی را دنبال می‌نمایند. در این میان ارمنستان با ملاحظات اقتصادی و سیاسی در عرصه داخلی و ترکیه با ملاحظات سیاست خارجی و منطقه‌ای روبرو می‌باشند که بعنوان مهمترین چالشهای این اقدام در پیش روی طرفین واقع گردیده‌اند.

ارمنستان

۱- در عرصه داخلی، ارمنستان با فشار و مخالفت‌های برخی جریانات سیاسی روبرو می‌باشد که مهمترین آنها را می‌توان دانشناکها، رامکاورها و جمهور یخواهان نام برد که کماکان بر اصول ارامنه به صورت سنتی پایبند می‌باشند و البته در این بین برخی از این احزاب مانند دانشناکها تا حدود زیادی فلسفه وجودی و حزبی خود را بر این پایه (مبارزه با ترکیه) قرار داده‌اند و شاید بتوان عنوان نمود که برای چنین توافقی هنوز از نظر تئوریک و هضم سیاسی آمادگی لازم را ندارند.^(۹)

ارمنستان بعد از استقلال تا حدود زیادی دستخوش اندیشه‌های سیاسی ایده‌آلیستی بوده است و شاید بتوان عنوان نمود که یکی از دلایل عدم پیشرفت در روابط دو کشور (ارمنستان - ترکیه) عدم تمکین و تمایل حاصل از این تفکر نزد ارامنه بوده است.

۲- از منظر افکار عمومی و حزبی (با باورهای سنتی) شاید مهم‌ترین موضوع بحث قتل عام باشد. جا انداختن موضوع روابط مناسب با ترکیه در شرایطی که ارامنه به موضوع قتل عام نه فقط به عنوان یک ابزار سیاسی که به عنوان یک باور اعتقادی و حق از دست رفته خود می‌نگرند، یکی از سختترین مراحل بهبود این مناسبات - البته برای طرف ارمنی - می‌باشد. شاید با توجه به

حساسیتهای قوم ارمنی و نگرانی‌های حاصله از واکنش‌های عمومی بوده است که اسکانیان را به اظهار نظر در این خصوص واداشته است. اسکانیان وزیر امور خارجه ارمنستان در مصاحبه‌ای اظهار نمود که «ما هیچگاه موضوع قتل عام را رد روابط خود با ترکیه بعنوان یک پیش شرط مطرح ننموده‌ایم، ما همواره سعی کرده‌ایم به مقامات ترکیه این نکته را بگوییم که بحث شناسایی قتل عام یکی از اصول سیاست خارجی ما برای تعیین میزان و سطح مناسبات ما خواهد بود و ربطی به موضوع مناسبات دوجانبه ندارد. ما یا روابط سیاسی خواهیم داشت یا خیر، یا مرزهایمان باز می‌شوند و یا نمی‌شوند، هیچکدام از این موارد باعث نمی‌شوند که ما موضوع قتل عام را کنار بگذاریم».^(۱۰)

۳- اما نوع سیاست اتخاذ شده توسط ارمنستان ایجاب می‌نماید که به یک باره و در یک سطح بازی را دنبال ننماید. از همین رو اسکانیان در خصوص تأثیر احتمالی اتخاذ این سیاست (شناسایی قتل عام) بر روابط با ترکیه اظهار نموده «ما می‌دانیم شناسایی موضوع قتل عام برای ترکیه به این راحتی نیست و بنابراین انتظار نداریم این موضوع در آینده نزدیک رخ دهد. طرفین به این نقطه رسیده‌اند که قدم‌های لازم برای مناسبات برداشته شود و در قدم‌های بعدی بحث قتل عام بررسی گردد».^(۱۱)

۴- موضوع قره‌باغ و چگونگی حل آن، از دیگر چالش‌های جدی پیش روی ارمنستان و ترکیه در این خصوص می‌باشد. ارمنستان همواره خواهان این بوده که بحث قره‌باغ از دستور کار مذاکرات دوجانبه ارمنستان - ترکیه خارج شود و البته در دور جدید اقدامات و فعالیتهای صورت گرفته، ارمنستان تا حدود زیادی به این خواسته خود رسیده است، اما مسأله مهم این است که آیا در صورت کسب هرگونه توافقی بین طرفین، ترکیه در آینده از آذربایجان در خصوص این موضوع حمایت نخواهد کرد؟ این نگرانی برای ارمنستان کماکان حفظ خواهد شد. بروز این نگرانی و همچنین نگرانی از ادامه مخالفت‌های داخلی بر ضد سیاست‌های اتخاذ شده ارمنستان، اسکانیان را بر آن داشت تا اعلام کند که «موضوع قره‌باغ فقط توسط رؤسای مشترک گروه مینسک پیگیری

خواهد شد و ترکیه علی‌رغم مذاکرات صورت گرفته در این خصوص، حق میانجی‌گری نخواهد داشت. به نظر من این موضوع که ترکیه در خصوص بحث قره‌باغ در چارچوب گروه مینسک بعنوان یک عضو نه یک میانجی حضور دارد باعث تغییر رویه مثبت نزد مقامات ترکیه برای بهبود مناسبات با ارمنستان به صورت دوجانبه گردیده است» (۱۲).

ترکیه

۱- آمریکا بدنبال تغییرات ایجاد شده در منطقه و در پی تکمیل استراتژی خود در منطقه قفقاز، کماکان به دنبال احیای مجدد اما مشروط و کنترل شده نقش ژاندارمی ترکیه در منطقه قفقاز می‌باشد. مشروط از آن جهت که جناح جمهوری خواه در آمریکا با توجه به روحیه نظامی و تکیه بر استراتژی «عملیات پیشگیرانه» مایل به دخالت مستقیم در حوزه‌های مورد نظر و اعمال مدیریت مستقیم می‌باشد. از این جهت ترکیه که در جریان تکوین این استراتژی در عراق، ملاحظات خاص خویش از جمله مرادده با اروپا را در اولویت قرار داد، امروزه نمی‌تواند به صورت کامل در چارچوب اهداف آمریکا بعنوان «ژاندارم با اختیارات تام» تعریف شود.

بنابراین ایجاد تعادل و هماهنگی بین انتظارات آمریکا از ترکیه - که هم اکنون سابقه منفی خودداری از همراهی کامل با آمریکا - را نیز یدک می‌کشد، برآورده ساختن انتظارات و درخواستهای اتحادیه اروپایی برای عضویت ترکیه در این اتحادیه و همچنین حفظ و نگهداری جایگاهی که ترکیه طی یک دهه گذشته با برخورداری از حمایت‌های آمریکا و خلاء ناشی از حضور جدی ایران و روسیه در این حوزه برای خود تعریف و ترسیم نموده است، چالش ترکیه در تحقق این موضوع از منظر حفظ مناسبات با آمریکا و اروپا می‌باشد.

۲- برای ترکیه موضوع از این جهت متفاوت است که شدت مخالفت‌های سیاسی و حزبی در ترکیه به مانند ارمنستان نیست اما ترکیه در این ده سال به صورت قابل توجهی نگاه خود را متوجه آذربایجان نموده و به گونه‌ای فاحش «تمام تخم مرغ‌های خود را در سبد باکو» قرار داده است. امروزه ترکیه با این چالش جدی روبرو است که در صورتی که آذربایجان با روسیه، ج.ا.ا و

سایر کشورها به توسعه مناسبات اقدام می‌نماید آیا ضروری است که ترکیه از یک بازار مصرف (از نظر اقتصادی) و یک موقعیت به نوعی ویژه از نظر جغرافیایی چشم‌پوشی کند آن هم در شرایطی که مابه‌ازاهای مقابل هنوز حالت قطعی به خود نگرفته است؟ در کنار اقدامات و فشارهای آمریکا و اروپا به ترکیه، چگونگی تنظیم مناسبات با آذربایجان و برآورده نمودن انتظارات این کشور، بعنوان چالش دیگر ترکیه در دوره جدید مطرح می‌باشند.

یادداشت‌ها:

۱. تلویزیون دولتی آذربایجان، ۸۲/۲/۴.
۲. شبکه تلویزیونی ای. تی. وی ترکیه، ۸۲/۲/۲۹.
۳. «ما امیدواریم در زمان دولت جدید، گامهای مؤثری درخصوص روابط دوجانبه برداشته شود»، خبرگزاری ازگ.
۴. شبکه ۱. ان. اس آذربایجان، ۸۲/۳/۲۹، مصاحبه با قلی اف وزیر امور خارجه آذربایجان.
۵. شبکه تلویزیونی سی. ان. ان ترک، ۸۲/۳/۲۷.
۶. خبرگزاری آرم اینفو، مصاحبه با وارطان اسکانیان، ۸۲/۴/۱۳.
۷. «قبل از این موضوع اصلی طرفین، چگونگی مناسبات ما با قره‌باغ بوده است اما امروزه توجه اصلی طرفین بر روابط دوجانبه متمرکز شده و قره‌باغ برای همتای ترکیه‌ای اولویت اول را ندارد». اسکانیان، مصاحبه با تلویزیون دولتی، ۸۲/۴/۱۱.
۸. خبرگزاری آرم اینفو، ۸۲/۲/۲۵.
۹. اگر روزی قرار باشد ارمنستان با ترکیه هم رابطه داشته باشد، دانشاها به چه چیزی زنده خواهند بود؟ مرز فعالیت سیاسی دانشاها همین ارمنستان است و تفکر و تئوری آنها از این مرز جغرافیایی به دلیل اصول غلطی که تعریف نموده‌اند قابل خارج شدن نیست. آنها از هم اکنون درخصوص این روابط به بن‌بست رسیده‌اند. سرکیس اساطوریان، رهبر حزب جوانان ارمنستان، مصاحبه با شبکه تلویزیونی آ. مگ. پلوس ارمنستان، ۸۰/۱۰/۱۵.
۱۰. خبرگزاری آرم اینفو، مصاحبه با وارطان اسکانیان، ۸۲/۴/۱۴.
۱۱. همان منبع.
۱۲. تلویزیون دولتی ارمنستان، مصاحبه با وارطان اسکانیان، ۸۲/۴/۱۱.